

نقش نگاه اسطوره‌ایی در ارتباط انسان و طبیعت در جغرافیای فرهنگی ایران و یونان

زهرا صادقی^{۱*}، نعیمه زرگر اسدیان^۲، الهام پرویزی^۳

۱-استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری. دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، z.sadeghi@khu.ac.ir

۲-دکترای معماری منظر از دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، naimehzargar@yahoo.com

۳-استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری. دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، parvizi.e@khu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

چکیده

جغرافیای فرهنگی به‌عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای، تعامل میان انسان، فضا و مکان در گذر زمان بررسی می‌کند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تعامل، بازتاب طبیعت در اسطوره‌ها است. مطالعه اسطوره‌ها در فرهنگ‌های ایران و یونان باستان، چشم‌اندازی نو از درک جغرافیای فرهنگی این جوامع فراهم می‌کند و چگونگی ادراک و معنا دادن به طبیعت در طول تاریخ را روشن می‌سازند. باورهای اسطوره‌ای نقشی بنیادین در تکوین نگرش انسان به طبیعت ایفا کرده‌اند. از این رو، هدف این پژوهش، مقایسه تطبیقی نگرش اسطوره‌ای به طبیعت در ایران و یونان باستان است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، کیفی بوده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری و با تحلیل محتوای کیفی بررسی و تطبیق داده شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در اسطوره‌های ایرانی، طبیعت دارای قداست است و رابطه‌ای هم‌افزا میان خدا، انسان و محیط طبیعی برقرار است. طبیعت نه تنها واسطه‌ای برای ارتباط با امر قدسی، بلکه سرچشمه برکت و نیروی محافظ در برابر شر محسوب می‌شود؛ نگرشی که بازتاب جهان‌بینی کیهانی و معنوی در بستر جغرافیای ایران است. در مقابل، اسطوره‌های یونانی غالباً رابطه‌ای خصمانه یا سلطه‌جویانه با طبیعت ترسیم می‌کنند. طبیعت در این فرهنگ، عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی خدایان و ابزار برای اعمال اراده آن‌هاست؛ نگرشی که نشان‌دهنده جهان‌بینی مادی در تعامل انسان با فضای طبیعی پیرامون خود است. این دو نوع نگرش در حافظه فرهنگی جوامع تداوم یافته‌اند و از طریق ساختارهای فرهنگی، هنری و نگرش‌های زیست‌محیطی بازتولید شده‌اند. نگاه عرفانی و احترام‌آمیز به طبیعت در فرهنگ ایرانی، و نگاه ابزاری و سلطه‌جویانه در سنت فکری غرب، گواهی بر تداوم اثرگذاری جغرافیای فرهنگی بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری و ارزشی انسان‌ها در مواجهه با طبیعت است.

واژگان کلیدی: رویکرد تطبیقی، انسان و طبیعت، اسطوره‌شناسی، جغرافیای فرهنگی

۱. مقدمه

در دوران باستان، عناصر طبیعی فراتر از کارکردهای عینی خود، حامل معانی نمادین و معنوی بوده‌اند. تفسیر انسان باستانی از طبیعت، تحت تأثیر ساختارهای اسطوره‌ای شکل می‌گرفت. اسطوره‌ها به عنوان بنیان‌های ذهنی و فرهنگی، نه تنها بازتاب‌دهنده جهان‌بینی انسان باستانی هستند، بلکه نقش کلیدی در شکل‌دهی هویت جمعی، نظام‌های اجتماعی و مناسبات انسان با محیط ایفا کرده‌اند. در جغرافیای فرهنگی، مطالعه اسطوره‌ها به ما امکان می‌دهد تا نحوه‌ی شکل‌گیری و بازتولید الگوهای ذهنی و عملی انسان نسبت به طبیعت و فضاهای زیستی را تحلیل کنیم و تعامل میان فرهنگ و محیط را در بستر تاریخی و مکانی بررسی نماییم. با وجود اهمیت اسطوره‌ها در بازنمایی رابطه انسان و طبیعت، مقایسه تطبیقی نگرش اسطوره‌ای به طبیعت در دو جغرافیای فرهنگی ایران و یونان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، حال آنکه این نگرش‌ها در شکل‌دهی به فرهنگ، هنر و مناسبات محیطی جوامع در طول زمان، تأثیری عمیق و ماندگار داشته‌اند. این پژوهش با رویکردی تطبیقی و در چارچوب جغرافیای فرهنگی، به بررسی جایگاه طبیعت در تفکر اسطوره‌ای تمدن‌های ایران و یونان باستان می‌پردازد. هدف از این مطالعه، تحلیل ساختارهای فرهنگی و فضایی حاکم بر رابطه میان انسان، خدایان و طبیعت در این دو فرهنگ است تا بتوان ابعاد گوناگون تعامل فرهنگی - محیطی در اسطوره‌ها را شناسایی و مقایسه نمود.

اهداف پژوهش:

- ≠ بررسی رابطه میان انسان، خدایان و طبیعت در اساطیر مربوط به جغرافیای فرهنگی ایران و یونان
- ≠ مقایسه جایگاه طبیعت و نحوه تعامل با آن در نگرش اسطوره‌ای این دو جغرافیای فرهنگی

۱-۲. پیشینه پژوهش

دامنه‌ی مطالعات پیرامون اسطوره بسیار گسترده و میان‌رشته‌ای است؛ به گونه‌ای که حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی، ادبیات، تاریخ، باستان‌شناسی، هنر و دین‌پژوهشی و ... هر یک از منظری خاص به تحلیل اساطیر پرداخته‌اند. مطالعه عناصر طبیعت در اساطیر (جدول ۱) چه به صورت تحلیلی و چه به صورت مقایسه تطبیقی در مواردی قابل مشاهده است. این پژوهش‌ها اگرچه در شناخت ساختارهای بنیادین اسطوره‌ای سهمی دارند، اما غالباً به دنبال فهم تعاملات انسان و طبیعت در چارچوب باورها و نظام‌های فرهنگی به صورت جامع نبوده و تحلیل یا مقایسه‌ی تطبیقی میان جغرافیای فرهنگی ایران و یونان نیز صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است تا با رویکردی میان‌رشته‌ای، جایگاه طبیعت را در اساطیر این دو فرهنگ بزرگ بررسی و مقایسه نماید و به درک بهتر تعامل انسان، طبیعت و فرهنگ در بستر تاریخی - جغرافیایی کمک کند.

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های مرتبط با طبیعت در اسطوره‌ها

نتیجه	هدف	نگارنده	
در اساطیر ایرانی، ایزدان آب قدرتمند، آرمانی و مطلق‌اند. در ویتنام، خدایان آب گاه مظهر لطف و گاه خشونت‌اند.	قیاس خدایان آب و ویژگی‌های آن در اساطیر ایران و ویتنام	نیکیوخت و همکاران (۱۳۹۱)	مقایسه عنصری از طبیعت در دو یا چند جغرافیای فرهنگی
علیرغم تفاوت‌ها، شباهت‌هایی مانند تقدم آفرینش کیهان بر انسان و تمرد انسان از فرمان خدایان وجود دارد.	مقایسه ویژگی‌های مشترک و متفاوت تفکر اسطوره‌ای ایران و یونان در موضوع آفرینش	خواجه‌گیر و همکاران (۱۴۰۰)	
گیاهان در اساطیر نقش‌هایی چون زایش، دگردیسی، و رستاخیز قهرمانان دارند و بیانگر رابطه‌ی انسان و گیاه در نظام‌های اسطوره‌ای هستند.	بررسی تطبیقی نقش گیاهان در اساطیر ملل مختلف	قاسم‌زاده و امیری فرد (۱۳۹۸)	
اسطوره گاو حامل مفاهیمی چون مادرانگی، قداست، اقتدار و شفاعت است که در فرهنگ‌های مختلف مشترک است	بررسی اسطوره گاو در ایران، یونان و دیگر فرهنگ‌ها	مظفری و زارعی (۱۴۰۱)	
شخصیت‌های اسطوره‌ای آب در دو فرهنگ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و نقش آن‌ها در آفرینش و نظم کیهانی بررسی شده است	بررسی اسطوره‌های آفرینش آب و شخصیت‌های مربوط به آن در ایران و هند	بیگی (۱۴۰۰)	
ترسیم نقش با دو هدف: تکریم حیوانات مفید و از سوی دیگر کاستن شر حیوانات مضر	بررسی نقوش حیوانی بر روی دست‌ساخته‌های	شهبازی و همکاران (۱۴۰۳)	
ایرانیان باستان با نگرشی زیست‌محور و بهره‌گیری از گزاره‌های مذهبی، عناصر چهارگانه را مقدس دانسته و بر حفظ آن‌ها تأکید داشتند.	بررسی دیدگاه زیست‌محور در اساطیر ایران باستان	ذوالفقاریان (۱۴۰۰)	مطالعه اساطیر مربوط به طبیعت در یک جغرافیای فرهنگی
طبیعت در اساطیر ایرانی، هم جایگاه الهی دارد و هم جایگاه شر؛ نمود بارز آن در اسطوره‌های تیشتر و وای دیده می‌شود.	بررسی تأثیر طبیعت بر باورهای اسطوره‌ای ایران	دادور و روزبهرانی (۱۳۹۸)	
رمانتیسیم با بهره‌گیری از آراء فلاسفه، طبیعت را به مثابه اثر هنری می‌بیند و از آن برای عبور از بحران‌های مختلف بهره می‌برد	بررسی بنیادهای فلسفی، سیاسی و زیبایی‌شناختی مفهوم طبیعت در رمانتیسیم	هاشمی و همکاران (۱۴۰۱)	
آب یکی از ارکان آفرینش است و در فرهنگ و اساطیر ایرانی از تولد تا مرگ حضور دارد و با امر شهریاری مرتبط است	نقش آب در اساطیر و فرهنگ ایران	خوش اخلاق و همکاران (۱۳۹۸)	
آتش در اساطیر، نماد تطهیر، معرفت و مجازات است و در عرفان جایگاه عشق و معنویت را یافته است.	بررسی تحول نماد آتش از اسطوره به عرفان	کلانتر و همکاران (۱۳۹۵)	
سرو، نماد حسن و زیبایی و مقدس، در شاهنامه و متون عرفانی دچار تحول معنایی شده؛ هوم نیز از نوشابه آیینی به مقام ایزدی رسیده و در عرفان دگردیسی معنایی یافته است.	بررسی و تحلیل سیر دگردیسی مهم‌ترین اساطیر گیاهی (سرو و هوم)	زهرا عسگری (۱۴۰۲)	
در اساطیر، نقش خدا در آفرینش با الهه باروری پیوند دارد، اما در متون مقدس و عرفانی، این نقش متحول شده و به سوی تجلی انسان‌محور و معنوی سوق یافته است.	تحلیل تحول نقش خداوند از اسطوره تا عرفان در ارتباط با کشاورزی	زرین فکر و صالحی‌نیا (۱۴۰۰)	

عباسی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل نقش خداوند در کشاورزی و آب از منظر اسطوره	اسطوره‌ها، آب را نیرویی الهی در کشاورزی و سامان اجتماعی معرفی می‌کنند.
مهدوی قهساره و هاشمی (۱۴۰۴)	بررسی نمادشناسی گل‌ها با نظریه دومزیل	زینق مرتبط با آناهیتا (حاصلخیزی، جنگ، حکومت) و نیلوفر با میترا (حکومت) است که در هنر ایران باستان بازتاب یافته‌اند.
م‌حلو جی زاده و همکاران (۱۴۰۱)	بررسی بن‌مایه‌های اسطوره‌ای گیاهان و حیوانات در متون زرتشتی	نمادهای طبیعی مانند گیاه و حیوان به واسطه‌ی پیوند با اسطوره‌ها در مناسک و ادبیات عرفانی قداست یافته‌اند.

۲. مبانی نظری

جغرافیای فرهنگی یکی از شاخه‌های اصلی و نظام‌مند جغرافیای انسانی است که به مطالعه پدیده‌های فرهنگی جوامع در ارتباط با فضا و مکان در طول زمان می‌پردازد (لشکری، ۱۴۰۱). فرهنگ الگوهای رفتار آموخته شده انسانی را که در قالب مقاومی شکل می‌گیرد، بیان می‌کند و به واسطه آن، ایده‌ها و تصورات از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. برای آگاهی از فرهنگ، نیاز به منشا تاریخی و گذشته‌ای است که در ظرف تاریخ می‌گنجد و برای شناخت کامل فرهنگ به بسترهای مکانی و اینکه در «کجا» و چه «حوزه‌ای» شکل گرفته است، نیاز است (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۰).

فرهنگ دارای سه رکن اساسی است؛ واقعیت‌های ذهنی، واقعیت‌های اجتماعی و واقعیت‌های فنی. در سال‌های اخیر جنبه ذهنی و ارزشی فرهنگ در مطالعه جغرافیای فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است زیرا مقاوم‌ترین رکن یک فرهنگ، واقعیت‌های ذهنی است که عبارتند از: باور، اعتقاد، مذهب، اسطوره و ... (بهار، ۱۳۹۰).

اسطوره در لغت با واژه‌ی *Historia* به معنای «روایت و تاریخ» در زبان یونانی هم‌ریشه است. واژه‌ی *Mythos* در یونانی به معنای شرح، خبر و قصه آمده است که با واژه‌ی انگلیسی *mouth* (به معنای دهان، بیان و روایت) هم‌ریشه‌اند (اسماعیل پور، ۱۳۹۹: ۱۳). در مطالعات انسان‌شناختی، فرهنگی و ادبیات، اسطوره اصطلاحی جامع است که دامنه‌ی آن از قصه‌های عامیانه تا روایت‌های جهان‌شناختی را در بر می‌گیرد؛ روایت‌هایی که شکل‌دهنده‌ی آیین‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی اقوام‌اند (بهار، ۱۳۹۷: ۳۶۰؛ روزنبرگ، ۱۴۰۲؛ ناردو، ۱۳۸۴: ۹). اسطوره از نظر اسماعیل پور **داستان نمادین مقدسی** است که در زمان ازلی اتفاق افتاده و مردم برای فهمیدن و تفسیر پدیده‌های هستی، مرگ، زندگی و آفرینش از آن بهره می‌بردند (اسماعیل پور، ۱۳۹۹: ۱۳). به این ترتیب، اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی، کاوش‌گر هستی است. از منظر جغرافیای فرهنگی، اسطوره‌ها را می‌توان به منزله‌ی سازوکارهایی برای معنابخشی به فضاهای زیستی و سازمان‌دهی روابط انسان با طبیعت دانست. این روایت‌های نمادین، فقط ابزارهای فکری نیستند بلکه ساختارهای حیات اجتماعی و آیینی را نیز شکل می‌دهند. آن‌ها به صورت الگوهای رفتاری، در ساختار فضایی زندگی انسان‌ها انعکاس می‌یابند و به مرور زمان، بخش مهمی از هویت فرهنگی هر ملت را می‌سازند (هینلز، ۱۳۸۲: ۲۵؛ اسماعیل پور،

۱۳۹۹: ۵۲، بهار، ۱۳۹۷: ۱۷). از این رو است که هویت هر ملت را باید در طول تاریخ و جغرافیای آن جستجو کرد؛ هویت مستلزم نگاه همزمان به زمان و مکان است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳).

اسطوره نه تنها جهان را تفسیر می‌کرد، بلکه به آن ساختار، ارزش و جهت می‌داد (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۹: ۱۳). انسان‌های باستانی در مواجهه با طبیعت ناشناخته، با بهره‌گیری از اسطوره‌ها تلاش می‌کردند تا با محیط زیست خود ارتباطی نمادین، آیینی و در عین حال کارکردی برقرار کنند (بهار، ۱۳۹۷: ۳۵۴، ۱۶؛ آموزگار، ۱۴۰۱: ۵). اسطوره‌ها، فضا را مانوس و قابل فهم می‌ساختند و به رفتارهای اجتماعی، اقتصادی، آیینی و حتی معماری شکل می‌دادند (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴۸). بر اساس نظریات کاسیرر، اسطوره یکی از اشکال نمادین تفکر انسانی است که جهان را نه به صورت عینی و تجربی، بلکه از طریق چارچوب‌های ذهنی و نمادین قابل فهم می‌سازد (Cassirer, 1995). از این منظر، اسطوره یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ادراک فضایی و معنابخشی به مکان‌ها است. به بیان دیگر، مکان‌های مقدس، کوه‌ها، رودخانه‌ها، درختان و سایر عناصر طبیعی، در پرتو اسطوره معنا یافته و به صورت نمادهایی زنده در زیست‌جهان انسانی درآمده‌اند.

اما اساطیر فقط متعلق به دنیای باستان نبودند بلکه اسطوره‌ها بخشی بنیادین از حافظه‌ی فرهنگی جوامع به‌شمار می‌آیند و کارکرد اصلی آن‌ها انتقال مفاهیم، معناها و باورهای عمیق از نسلی به نسل دیگر است (Assmann, 2011: 27). این تداوم فرهنگی نه تنها در ساختارهای ذهنی جوامع کهن، بلکه در دوران معاصر نیز حضور داشته و همانند یک «ژن فرهنگی»، به بازتولید نگرش‌های باستانی درباره طبیعت در فرهنگ‌های مختلف انجامیده است (Falco, 2016). از دیدگاه جغرافیای انسانی، این پدیده‌ها نه صرفاً میراث‌های فرهنگی، بلکه نشانه‌هایی از پیوند پایدار میان انسان، فضا و نظام‌های معنا هستند. اسطوره‌ها با تبیین منشأ پدیده‌های طبیعی، زمان کیهانی و الگوهای رفتاری، به سازمان‌دهی تجربیات انسانی در مواجهه با مکان و طبیعت کمک می‌کنند (Segal, 2004).

در همین راستا، مطالعه‌ی اسطوره‌های یک قوم، فراتر از روایت‌های فرهنگی، درک بهتری از ساختارهای فضایی، مناسبات زیست‌محیطی، الگوهای سکونت و جهت‌گیری‌های آیینی نسبت به طبیعت را فراهم می‌سازد. از این رو، بررسی تطبیقی اساطیر ایران و یونان - به‌عنوان دو تمدن کهن با تأثیری ژرف بر نظام فکری و فرهنگی بشر - می‌تواند ابزاری تحلیلی برای شناخت ساختارهای ذهنی، الگوهای رفتاری و نظام‌های معنایی مرتبط با فضا و طبیعت در این فرهنگ‌ها فراهم آورد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش یک تحقیق بنیادی در حوزه‌ی جغرافیای فرهنگی و انسان‌محیطی است که با هدف بررسی و تحلیل مفاهیم تفکر اسطوره‌ای و بازتاب آن‌ها در نگرش انسان به طبیعت در نظام‌های اسطوره‌ای ایران و یونان انجام شده است. تمرکز اصلی این مطالعه بر تحلیل رابطه‌ی میان انسان، خدایان و طبیعت در چارچوب ساختارهای اسطوره‌ای و نحوه‌ی بازنمایی طبیعت در روایت‌های کهن با تأکید بر جنبه‌های فرهنگی-فضایی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر بررسی اسنادی انجام شده است. کلیه‌ی اطلاعات از منابع معتبر علمی شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و مطالعات مرتبط گردآوری شده‌اند. در گام نخست، جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های علمی ایرانی و بین‌المللی

نظیر پایگاه علمی جهاد دانشگاهی، سیویلیکا، پرتال جامع علوم انسانی و Google Scholar صورت گرفت. در این مرحله، منابع مرتبط با موضوعاتی همچون اسطوره، طبیعت، آفرینش و نقش خدایان شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. بیشتر منابع دارای ترجمه‌ی فارسی بودند و از نسخه‌های ترجمه‌شده در پژوهش استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، از رویکرد تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر مطالعه‌ی تطبیقی و رویکرد مضمونی بهره گرفته شد. ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با جایگاه طبیعت در اساطیر ایران و یونان استخراج شد. سپس، محتوای متون اسطوره‌ای و منابع علمی از نظر مفهومی و نمادین تحلیل شدند تا درک عمیق‌تری از چگونگی تعامل انسان و خدایان با طبیعت به دست آید. در مرحله‌ی نهایی، اساطیر ایران و یونان از منظر مضامین فرهنگی و نمادین مورد مقایسه قرار گرفتند. این تحلیل تطبیقی به شناسایی تفاوت‌های فلسفی و فرهنگی میان این دو نظام اسطوره‌ای در مواجهه با طبیعت کمک کرد. فرایند گزینش منابع در شکل ۱ ارائه شده است و در مجموع ۲۱ منبع معتبر برای مطالعه‌ی نهایی انتخاب گردید.



شکل ۱: فرایند گزینش منابع

۴. یافته‌ها

۴-۱. اساطیر ایران در ارتباط با طبیعت

آیین مهر یکی از باورهای رایج در میان آریاییان اولیه بوده است که تقریباً هزاره دوم پیش از میلاد در فلات ایران شکل گرفت (بهار ۱۳۹۷؛ ۶۶). این آیین مشترک ایرانی- هندو محسوب می‌شود. مهمترین ایزدان برای آیین ایرانی- هندو زوج خدایان میتره و ورونه است. میترا^۱ و ورونه^۲ یک زوج الهی قدرتمند و مکمل یکدیگر بودند که مفاهیم

^۱ Mithra

^۲ Varuna

مهم کیهانی، اخلاقی و اجتماعی را نمایندگی می‌کردند (آموزگار، ۱۴۰۱: ۱۱؛ عرب، ۱۳۷۶: ۶). علاوه بر این دو خدای اصلی گروه دیگری از خدایان در آیین مهرپرستی هستند که مظهر طبیعت هستند. با ظهور آیین زرتشت، بعضی معتقد به جایگزینی اهوره مزدا به جای ورونه هستند ولی وجود مهر (میترا) تداوم یافت (بهار، ۱۳۹۷: ۴۶۷). ایزدان مهرپرستی ارتباط تنگاتنگی با طبیعت دارند ضمن اینکه ایزدان همواره آگاه و هوشیارند، در توصیف ایزد از نحوه تسلط او بر طبیعت سخن گفته شده است و به بیان دیگر موهبت طبیعت همگی از وجود ایزدی آگاه سرچشمه می‌گیرد. انسان برای نزدیکی به خدای مهر روی به طبیعت می‌آورد و خورشید را نمادی از وجود مهر می‌پندارد. در واقع پرستیدگان مهر می‌خواستند او را به صورت پدیده ای طبیعی ببینند، انسان روزی سه بار به سمت خورشید به عبادت ایزد مهر می‌پردازد (اسماعیل پور، ۱۳۹۹: ۱۶۴). **جدول ۲ نشان می‌دهد که نگرش ایرانیان باستان به طبیعت، فراتر از بهره‌برداری مادی بوده و پیوندی عمیق با نظام‌های آیینی و ارزش‌های کیهانی داشت. خورشید، آب، آتش، و سایر عناصر طبیعی نه تنها جلوه‌هایی از قدرت ایزدان بودند، بلکه واسطه‌ای برای تعامل فرهنگی-فضایی انسان با جهان پیرامون محسوب می‌شدند. این دیدگاه، اهمیت طبیعت در شکل‌دهی به رفتارهای انسانی و الگوهای مکانی در فرهنگ‌های ایران باستان را نشان می‌دهد.**

جدول ۲. ارتباط انسان، خدا، طبیعت در آیین مهرپرستی. (اسماعیل پور، ۱۳۹۹: ۸۲، ۸۰، ۱۳۸، ۱۶۴؛ بهار، ۱۳۹۷: ۴۶۵ و آموزگار، ۱۴۰۱: ۱۳)

خدایان	نقش خدا در طبیعت	وظیفه انسان
زوج خدایان میتره و ورونه	خورشید چشم آنهاست مسبب گردش خورشید در آسمان پشتیبانی آسمان، زمین و هوا سروران رودها بخشنده‌ی باران مسبب جاری شدن چشمه ساران عسل پیوند تنگاتنگ میترا با آتش نمایان شدن میترا پیش از طلوع خورشید خورشید، تجلی مادی میتراست	نذر مربوط به میترا، نثار آتش قربانی می‌شد روزی سه بار عبادت به سمت خورشید
خدایان فرعی (مظهر طبیعت)	اوشاس ^۱	ایزد سپیده دم
	سوریا، ساونتتا و ویشنو ^۲	خدایان مرتبط با خورشید
	آگنی ^۳	خدای آتش
	سومه (هومه)	نماد نوشیدنی شفابخش

بعد از دوره مهرپرستی آیین زرتشتی در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در ایران رواج یافت (آموزگار، ۱۴۰۱: ۱۱). خدای این دین، اهوره مزدا^۴ نام دارد. اهوره مزدا به معنی سرور دانا است. توصیف‌های مربوط به

^۱ Usas

^۲ Visnu

^۳ Agni

^۴ Visnu

^۴ Agni

اهوره مزدا در متون دینی غالباً با مظاهر طبیعت در ارتباط است؛ از جمله اینکه تخت او در عرش اعلی و در نور آسمانی قرار دارد و خورشید در آسمان، تجلی نور و روشنی او بر زمین است (هینلز، ۱۳۸۲: ۶۹). در جریان آفرینش جهان، طبیعت وجودی مقدس دارد؛ برای نمونه تلقی از زمین در آیین زرتشتی به عنوان یک فرشته است (نصر، ۱۳۸۶: ۷۸). در اساطیر زرتشتی، آفرینش جهان از سوی اهوره مزدا با نظم و ترتیب مشخصی صورت می‌گیرد: ابتدا امشاسپندان؛ سپس ایزدان، و در نهایت جهان مادی آفریده شدند. ترتیب آفرینش جهان چنین است: نخست آسمان، سپس آب، زمین، گیاهان، جانوران، و در نهایت انسان (عرب، ۱۳۷۶: ۱۷؛ بهار ۱۳۹۷: ۳۷؛ آموزگار، ۱۴۰۱: ۱۶ و ۴۸). امشا سپندان، به عنوان جلوه‌هایی از صفات الهی، انسان را به خدا و خدا را به انسان نزدیک می‌کند (هینلز، ۱۳۸۲: ۷۰). آنها با خصلت‌های نیک و پسندیده حامی زمین و آب و گیاه و حیوانات سودمند هستند (نصر، ۱۳۸۶). به عنوان مثال اردیبهشت حامی آتش، اسفند حامی زمین، خرداد حامی آب و مرداد حامی گیاهان است.

جدول ۳ امشاسپندان را معرفی می‌کند. این جدول نشان می‌دهد که در آیین زرتشتی، طبیعت نه تنها یک عنصر زیست محیطی، بلکه بخشی از ساختارهای معنایی و دینی بوده است. نقش حفاظتی امشاسپندان در حوزه‌های مختلف طبیعی، از زمین و آب گرفته تا گیاهان، بیانگر نگرش ایرانیان باستان به محیط زیست و ضرورت حفظ تعادل میان انسان، طبیعت و نظام معنایی است. این دیدگاه، بر تصمیم‌گیری‌های مکانی، رفتارهای زیست محیطی و شکل‌گیری الگوهای سکونت در تاریخ فرهنگی ایران تأثیرگذار بوده است.

جدول ۳. معرفی امشاسپندان (هینلز، ۱۳۸۲: ۷۰؛ عرب، ۱۳۷۶: ۳۲؛ بهار ۱۳۹۷: ۷۲ و ۱۴۶؛ آموزگار، ۱۴۰۱: ۱۶)

خصلت امشاسپند	نام امشاسپند	نقش حمایتی
روح مقدس یا نیکوکاری	سپند مینو (Spenta Mainyu)	حامی اهورامزدا
اندیشه نیک	وهومنه یا بهمن (Vohu Manah)	حامی حیوانات سودمند
راستی	آشه یا اردیبهشت (Asha)	حامی آتش و نگهدارنده نظم جهان
شهریاری مطلوب	خشتره ویریه یا شهریور (Khshathra Vairya)	حامی فلزات و نماینده‌ی فرمانروایی بهشتی
اخلاص	آرمیتی یا اسپندارمد یا اسفند (Armaiti)	حامی زمین
کمال	هورواتات یا خرداد (Haurvatat)	حامی آب
نامیرایی	آمرتات یا مرداد (Ameretat)	حامی گیاهان

در آیین زرتشتی امشاسپندان تنها موجودات آسمانی نیستند، بلکه ایزدان (یا فرشتگان) نیز مقامشان بعد از امشا سپندان و تعدادشان زیاد است (عرب، ۱۳۷۶: ۳۸). ایزدان ایران باستان به اهوره مزدا در نگهداری و کنترل جهان کمک می‌دهند. این ایزدان، مینوهای نگهبان طبیعت هستند و مردم به این نگهبانان تقرب می‌جویند (هینلز، ۱۳۸۲: ۷۸). انسان برای ایزدان قربانی می‌کند این امر موجب قدرت یافتن ایزد می‌شود و انسان نیز مورد برکت و مرحمت ایزد

قرار می‌گیرد. ایزدان مرتبط با طبیعت که در اساطیر زرتشت از آنها یاد شده عبارتند از: میترا (مهر)، وای (باد)، آتر (آتش)، هوم (گیاه)، تیشتریه^۲ (تیشتر)، آناهیتا^۳ (آب های نیرومند و بی‌آلایش)، ورتراغنه (بهرام یا پیروزی)، ریثوین (سرور گرمای نیمروز)، هور (خورشید) و هیلنز،^۴ (۱۳۸۲: ۳۴) (جدول ۴). زرتشتیان بر این باورند که هر چیزی در جهان روحانی (مینوی، نامرئی و نامحسوس) استعداد آن را دارد که به صورتی مادی (گیتی، مرئی و محسوس) داشته باشد و جهان معنوی می‌تواند صورت مادی به خود بگیرد. (بهار، ۱۳۹۷: ۶۹؛ آموزگار، ۱۴۰۱: ۸۸ و نصر، ۱۳۸۶؛ هیلنز، ۱۳۸۲: ۴۱). پس ایزدان زردتشی هم دارای وجود مینوی هستند هم کالبد مادی. برای مثال، ایزد هوم در شکل طبیعی گیاه هوم متجلی شده است. ایزد هوم به طور مشخص عنصری از طبیعت است که در زندگی روزمره به عنوان شخصیتی واجد تقدس، مردم برای برقراری ارتباط معنوی به آن متوسل می‌شدند و بر طبق باور اسطوره‌ای از آن گیاه که وجود مادی ایزدی آسمانی است برای زندگی بهتر و جاودانگی نیرو می‌گرفتند (جعفری قریه‌علی، ۱۳۸۶: ۳۶۱؛ فرهادی، ۱۳۷۲: ۳۲۵). در جدول ۴ ارتباط ایزدان و طبیعت (مادی و معنوی) و نقش انسان بیان شده است.

جدول ۴. ایزدان حامی طبیعت منبع: (هیلنز، ۱۳۸۲: ۳۴، ۵۱، ۳۸، ۴۳، ۴۷؛ اسماعیل‌پور، ۱۳۹۹؛ بهار، ۱۳۹۷: ۱۲۱ و ۱۱۳؛ آموزگار، ۱۴۰۱: ۲۰؛ عرب، ۱۳۷۶: ۵۶؛ داور و روزبهانی، ۱۳۹۸: ۶۳؛ کرتیس، ۱۳۷۶: ۱۷)

نام ایزد	معنی و مفهوم	ارتباط ایزدان و طبیعت	نقش انسان
میترا	عهد و پیمان، قانون گذار	خورشید را در آسمان به گردش در می‌آورد. پشتیبان آسمان، زمین و هوا است.	عبادت و نذر جشن مهرگان (۱۶ مهر) آیین یلدا
آناهیتا	آب های نیرومند و بی‌آلایش	موجب باروری و سرچشمه آب‌ها است.	دعا، نذر پرهیز از آلوده کردن آب مقدس بودن آب احداث عبادتگاه (معبد) در مجاورت چشمه‌ها
تیشتر	ستاره تابان و شکوهمند	منشاء بارندگی و در نتیجه حیات طبیعت است. با آپوشه ^۴ یعنی دیو خشکسالی نبرد می‌کند.	تیشتر برای قدرت یافتن نیازمند قربانی‌ها و حمایت انسان است.
ریثوین	سرور گرمای نیمروز و سرور ماه‌های تابستان	مسبب تغییر فصول و آمدن بهار است. در زمستان (زمان هجوم دیو) به زیر زمین پناه می‌گیرد و آب‌های زیرزمینی را گرم نگاه می‌دارد تا گیاهان و درختان نمیرند. آمدن ریثوین به زمین، زمان شادی و امید به رستاخیز است. نمادی است از پیروزی همیشگی آفرینش است.	برگزاری جشن ریثوین که بخشی از جشن نوروز است.

¹ Vayu

² Tishtar

³ Anahita

⁴ Apaosha

هوم (هومه)	گیاه هوم	ایزدی نیرو بخش، شفا دهنده، برکت بخش است. در غالب جنگنده‌ای در نبرد با اهریمن ظهور می‌کند. حضور مادی او بر روی زمین به شکل گیاهی مقدس که در کوه‌ها می‌روید. شیره این گیاه قدرت ماورائی اعطا می‌کند. گیاه هوم قربانی می‌شود تا مردم زندگی داشته باشند.	هر بار که مومنان هوم را می‌فشارند ایزد هوم به نزد آنها می‌آید. با دعا برای او، اثر شفا بخشی هوم بیشتر می‌شود. انسان هوم در مناسک روزانه تقدیس می‌کند
آتر	آتش	نشانه مرئی حضور اهوره‌مزدا در دنیا است. نمادی از نظم راستین است. ایزدی جنگجو در نبرد با اهریمن است. آتش به صورت برق، دیو خشکسالی را که می‌خواهد منابع باریدن شود، شکست می‌دهد.	مردم برای برقراری ارتباط معنوی به آتش متوسل می‌شوند.
هور ^۱	خورشید	خورشید چشم اهورامزدا است. خورشید طمین و آسمان و آنچه در آن است را پاک نگه می‌دارد.	

ایرانیان زندگی را نبردی بین نیروهای خیر و شر می‌دانند. در اساطیر ایران اهریمن در تقابل و ستیز با خدا و مخلوقاتش قرار دارد. طبیعت موضوع اصلی در نبرد بین اهریمن و خدایان است که نقش‌های مختلفی دارد (بهار، ۱۳۹۷: ۹۳؛ عرب، ۱۳۷۶: ۵). همانطور که در توصیف ایزدان مطرح شد هر یک از ایزدان با جلوه‌ای مادی به شکل جنگجویی به نبرد با اهریمن می‌روند تا طبیعت نجات یابد و در این نبرد نیاز مند حمایت مردم از طریق دعا و قربانی هستند تا قدرتمند شوند و اهریمن را شکست دهند. همچنین جایگاه طبیعت به عنوان عاملی برای حفاظت انسان در برابر اهریمن نیز در اساطیر نقل شده است؛ «اورمزد که آسمان را می‌آفریند تا نه تنها پوشش سختی باشد که جهان را در بر می‌گیرد، بلکه زندانی است که اهریمن در آن به دام افتاده است» (هینلز، ۱۳۸۲: ۸۷). رویکرد دیگر به طبیعت در این نبرد این است که، اورمزد طبیعت را به عنوان حامی انسان در مقابل اهریمن قرار می‌دهد مثلاً آسمان به شکل مرد جنگجوی زره بر تن ظاهر شده و به نبرد با اهریمن می‌پردازد و تشر برای مقابله با اهریمن از باد یاری می‌گیرد (هینلز، ۱۳۸۲: ۸۸؛ بهار، ۱۳۹۷: ۱۲۰). مینوی مرداد، عصاره گیاه را با آب تیشتر ترکیب می‌کند و آن آب را به همه زمین می‌دهند تا گیاهان برویند و بیماری که مسبب آن اهریمن است از آفریدگان دور شود (بهار، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

ایرانیان نه در عبادتگاه و معبد بلکه در فضای باز بر کوه‌ها عبادت می‌کردند، محراب آنان معبد نیست بلکه دامان کوه و طبیعت است (هینلز، ۱۳۸۲: ۳۲). همان طور که ایزدان ارتباط قوی با طبیعت دارند ستایش ایزد نیز در محیط

^۱ در فارسی به خور تبدیل شده است (عرب، ۱۳۷۶: ۶۲)

طبیعی و باز صورت گرفته است. در واقع آیین زرتشت رابطه مستقیم با طبیعت و عناصر کیهانی دارد از طریق رسومی مذهبی که این رابطه را در مناسک این آیین و نه فقط در آموزه‌های آن تجسم می‌بخشد، برقرار می‌دارد.

نگرش اسطوره‌ای به طبیعت در ایران باستان، نه تنها بخشی از ساختارهای اعتقادی، بلکه عاملی تعیین‌کننده در نحوه تعامل انسان با محیط بوده است. از آیین مهرپرستی تا آیین زرتشتی، پیوند انسان و طبیعت از طریق مکان‌های مقدس، رفتارهای آیینی و باورهای کیهانی بازتولید شده است. این نگرش‌ها در معماری، محیط‌های مذهبی، و حتی نگرش‌های زیست‌محیطی ایرانیان نقش داشته و نشان‌دهنده تأثیر عمیق جغرافیای فرهنگی در الگوهای فضایی و ارزش‌های اجتماعی است.

۲-۴. اساطیر یونان در ارتباط با طبیعت

در اساطیر یونان، جهان به خودی خود و در فرایندی تدریجی شکل گرفته است؛ در نهایت، زمین در شخصیتی به نام گایا (مادر زمین) و آسمان هم در شخصیت اورانوس^۱ (پدر آسمان) تجسم یافت. (ناردو، ۱۳۸۴: ۱۶). به این ترتیب تقدیر و سرنوشت (مویرا)^۲ مقدم بر خدایان و فوق آنها است (نصر، ۱۳۸۶: ۷۹). فرزندان گایا و اورانوس، تیتان‌هایی غول مانند بودند و طبیعت بین خود تقسیم کردند (ناردو، ۱۳۸۴: ۱۷). اورانوس، نخستین فرمانروای طبیعت، به دست پسرش کرونوس سرنگون شد، سپس زئوس، فرزند کرونوس، در مقابل بدرفتاری و ظلم پدر شورش کرد (بین‌سنت، ۱۳۸۰: ۲۲) و با یاری خواهران و برادرانش و نیز بهره‌گیری از خرد پرومته و متیس، قدرت را به دست گرفت و به فرمانروای مطلق خدایان تبدیل شد و موفق شد طبیعت را تسخیر کند (روزنبرگ، ۱۳۸۰). زئوس جهان را بین خواهران و برادرانش تقسیم کرد و آنها خدایان عالم شدند. در تقسیم جهان، آسمان و زمین نصیب زئوس شد. فرمانروای دریاها پوسیدون درآمد و هایدس به قلمروی مردگان و دنیای اعماق زمین دست یافت (گران، ۱۳۹۰؛ گریمال، ۱۳۹۳). در دوره تسلط خدایان، خدایان خصلت‌های انسانی داشته و با ویژگی‌های ضد اخلاقی و حسد، رفتارهای بالهوسانه، جاهل، کینه توز معرفی شده‌اند (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۵۴). در دوره خدایان میان آسمان و زمین (جهان خدایان و جهان انسان‌ها) رقابت، تضاد و حتی نوعی حسد و کینه‌توزی برقرار است (جامی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ نمونه‌ای از این خصومت را می‌توان در ماجرای خیانت پرومته به زئوس در آیین قربانی دید؛ جایی که پرومته به نفع انسان‌ها زئوس را فریب می‌دهد. (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۵۴).

در اساطیر یونان تعداد خدایان بسیار زیاد است و در چندین نسل از خدایان اولیه متولد شده‌اند. به این ترتیب هر پدیده‌ای در این جهان خدایی دارد (موسیقی، شراب، شعر، نگهبانی کودکان، جنگ، سرزمین مردگان و ...).

¹ Ge(Gaea)

² Ouranus

³ Moira

دزفولیان در پژوهشی به تعدد و چند صدایی و تعدد خدایان یونان پرداخته است. با توجه به دامنه این پژوهش یعنی جایگاه طبیعت در اساطیر، فقط خدایان مرتبط با طبیعت بررسی می شوند (دزفولیان و طالبی، ۱۳۸۹: ۹۷). ارتباط خدایان با طبیعت در اساطیر یونان جلوه‌ای متفاوت نسبت به اساطیر ایران دارد. در اسطوره‌های یونانی، عناصر طبیعت مانند بسیاری از فرهنگ‌های شرقی دارای نقش نمادین‌اند (مثلاً، گل شقایق یا زنبق سرخ نماد عشق، درخت بلوط نماد فرد نیکوکار و جاودان، درخت غار نماد آپولون (خدای شعر)، درخت سرو نماد آرتیمس (ایزد ماه) و...) (ناردو، ۱۳۸۴: ۲۳؛ گریمال، ۱۳۹۳: ۲۴؛ فاطمی، ۱۳۷۶: ۳۵۹-۳۶۰؛ همیلتون، ۱۴۰۳: ۱۱۴). اما نکته متمایز این است که طبیعت در اساطیر یونان به‌عنوان ابزار قدرت، مجازات یا انتقام به کار می‌رود (لنسلین، ۱۳۶۶: ۳۵)، آفرینش گل زیبای نرگس در طبیعت ابزاری است برای فریب‌خدایی (پرسه فونه) (همیلتون، ۱۴۰۳: ۱۱۴)، خدایان وظایف خود را در قبال طبیعت با مشقت و رنج انجام می‌دهند و طبیعت و خدایان وابسته به آن بیشتر به خاطر نقش کارکردی شان مورد اهمیت‌اند نه تقدس و احترام (روزنبرگ، ۱۳۸۰: ۲۵؛ ناردو، ۱۳۸۴: ۲۳). تغییر فصول و رنجی که در زمستان به انسان وارد می‌شود، نتیجه خطای یکی از خدایان و دوری او از مادرش است؛ پیش از این اتفاق و در «عصر زرین» زندگی انسان‌ها، همیشه بهار بوده است (لنسلین، ۱۳۶۶: ۸۴؛ ناردو، ۱۳۸۴: ۲۶). ایجاد فصل سرما و خزان توسط خدایان باعث شد انسان متحمل سختی و رنج شود. علاوه بر این در اساطیر یونان باروری درختان و طبیعت به امری مادی و انسانی خدایان یعنی یگانگی و آمیزش وابسته است (اسماعیل پور، ۱۳۹۹: ۳۰). در اسطوره آفرینش انسان نیز مشاهده می‌شود بین انسان، خدا و طبیعت تضاد و تقابل وجود دارد؛ زئوس (خدای خدایان) به پرومته (خدای خرد) امر می‌کند که انسان را برای زندگی کوتاه مدت بیافریند و اما از دادن آتش به او خودداری کند تا انسان جاودان نشود. پرومته با نیروی عقل زئوس را می‌فریبد. انسان مجازات می‌شود و در دوران فرمانروایی خدایان در مشقت و سختی به سر می‌برد (صانع پور، ۱۳۸۹: ۷۷؛ لنسلین، ۱۳۶۶: ۴۸؛ ناردو، ۱۳۸۴: ۲۵). در جدول ۵ ارتباط خدایان و طبیعت و نقش انسان شده است.

جدول ۵. نمونه‌هایی از خدایان مرتبط با طبیعت. تنظیم نگارنده بر اساس: (روزنبرگ، ۱۳۸۰: ۲۵؛ لنسلین، ۱۳۶۶: ۸۴، ۷۳، ۴۸؛ ناردو، ۱۳۸۴: ۲۵، ۳۱، ۲۶، ۲۳، ۳۹ (بین‌سنت، ۱۳۸۰: ۲۴؛ برن، ۱۳۷۵: ۱۰؛ الیاده، ۱۳۶۲: ۱۵۴؛ همیلتون، ۱۴۰۳: ۶۹ و؛ گرانث، ۱۳۹۰، ۱۳۴ و ۴۸۵ و ۲۹۶)

نام خدای اسطوره‌ای	جایگاه خدا در جهان	مصادق ارتباط خدا و طبیعت	مصادق نقش انسان
--------------------	--------------------	--------------------------	-----------------

هلیوس	خدای خورشید	خورشید را بر ارباب‌های از یک سوی آسمان به سوی دیگر می‌کشاند. زمانی که زئوس جهان را بین خدایان تقسیم می‌کرد، هلیوس مشغول راندن گردونه‌اش بود از این رو سهمی به او نرسید. او شب از ارباب‌رانی به چهار سوی آسمان، احساس خستگی داشت.
اتلس	خدای آسمان	آسمان بار سنگینی است که زئوس برای مجازات او بر دوشش نهاد که هیچ خدای دیگری حاضر نبود این سختی را بر عهده بگیرد.
هستیا	خدای آتش و اجاق خانه	هستیا از لحاظ تقدس مورد تکریم قرار نمی‌گرفت بلکه علت اهمیت آن، سختی روشن کردن آتش در خانه بود.
دمتر	خدای باروری، ایزد بانوی کشاورزی و مسبب رشد محصول	دمتر در آغاز بهار با یکی از فرزندان زئوس یگانه شد و معنی این یگانگی، توان باروری و رویندگی زمین است به این ترتیب نیروی نهفته در زمین با این یگانگی زودتر رشد می‌کند. به این ترتیب، در اساطیر یونان باروری درختان و طبیعت به امری مادی و انسان‌گونه خدایان یعنی یگانگی و آمیزش وابسته است.
پرسه فونه	ملکه سرزمین مردگان همسر هایدیس	پرسه فونه (دختر دمتر) خوراکی‌های عالم مردگان دانه اناری خورده و محکوم است نیمی از سال را در سرزمین ارواح به سر برد. دمتر از غم دوری او غمگین شد و این ناراحتی وی موجب عدم رویش طبیعت گردید و زمستان ایجاد شد. با باز شکفتن پرسه فونه و شادی دمتر بهار می‌آید. به این ترتیب دوری دمتر و پرسه فونه موجب عدم رویش طبیعت می‌شود.
زئوس	خدای خدایان، پادشاه آسمان و زمین	زئوس انسان‌ها را به خاطر بهره‌مند شدن از آتش گرفتار سیل و بیماری کرد.
پروتمه	خدای خرد	به دستور زئوس انسان را از خاک آفرید ولی با نیروی خرد زئوس را فریب داد و برخلاف دستور زئوس آتش را به انسان رساند.

به این ترتیب در اساطیر یونان بر خلاف بسیاری از تمدن‌ها که عناصر طبیعت الهه و یا خدا هستند، طبیعت منزلگاه خدایان است. الهه‌ها خود عناصر طبیعت نیستند بلکه خدایانی با چهره‌های انسانی هستند که بعضاً قوای طبیعت را در دست خود دارند. ارتباط خدایان با طبیعت ضعیف است و مبنای توصیف خدایان غرایز و رفتارهای انسانی است. بین خدایان و انسان همواره تضاد و تقابل وجود دارد.

۴-۳. مقایسه جایگاه طبیعت در اساطیر ایران و یونان

با توجه به مطالب مطرح شده در رابطه با اساطیر در دو فرهنگ ایران و یونان، ارتباط خدا با طبیعت، ارتباط انسان با طبیعت، اسطوره آفرینش و نبرد خدایان در قالب جدول ۶، مقایسه شده‌اند.

جدول ۶. مقایسه تطبیقی جایگاه طبیعت در اساطیر ایران و یونان. تنظیم نگارنده

موضوع مقایسه	ایران	یونان
ارتباط خدا با طبیعت	<p>اهورامزدا آفریننده طبیعت و جهان اهورامزدا گرداننده طبیعت خدا طبیعت را از نور خود آفریده امشاسپندان (جلوه های خدا) با خصلت های نیکو حامی طبیعت عناصر طبیعت نماد ایزدان ایزدان حامی طبیعت عناصر طبیعت دارای شخصیت مقدس جایگاه خدا در جهان ماورا گردش فصل ها و زنده شدن طبیعت حاصل پیروزی ایزدان در نبرد با اهریمن</p>	<p>جهان و طبیعت به خودی خود شکل گرفته تبدیل آسمان و زمین به نسل اول خدایان و زاده شدن دیگر خدایان از آنها تقسیم طبیعت بین خدایان تصاحب طبیعت توسط خدا ویژگی اخلاقی ناپسند خدایان طبیعت خدایان دارای قدرت کنترل طبیعت طبیعت محل استقرار خدا طبیعت مشقت آور برای خدایان طبیعت ابزاری به دست خدایان برای مجازات یکدیگر و انسان گردش فصول وابسته به احساسات و رفتارهای انسانی خدایان</p>
انسان و طبیعت	<p>عبادت در طبیعت و مقابل عناصر طبیعی مناسک و آیین وابسته به حضور در طبیعت نثار قربانی برای قدرت یافتن ایزدان حامی طبیعت در نبرد با اهریمن تقرب جویی مردم به ایزدان نگهبان طبیعت برای برکت بخشی ظهور یافتن مادی ایزد در زندگی روزمره به صورت عناصر طبیعی مانند گیاه هوم و آتش حضور ایزد و برکت بخشی با فشردن گیاه هوم</p>	<p>عبادت در معبد بسته اهمیت دادن به عناصر طبیعت به لحاظ کاربرد آن در زندگی و نه تقدس طبیعت محروم کردن انسان در استفاده از آتش توسط زئوس تبدیل از سانهای خاص به پاس پاداش و یا جاودانی عشق به درخت و گل توسط خدایان و دستیابی به حیات جاوید</p>
نبرد خدایان	<p>نبرد ایزدان با اهریمن برای رهایی و حفظ طبیعت طبیعت محافظ انسان در برابر اهریمن نقش مهم عناصر طبیعت در نبرد مقابل اهریمن</p>	<p>نبرد بین خدایان برای تصاحب و فرمانروایی بر طبیعت و جهان تسلط زئوس بر جهان با نیروی خرد پرومته طبیعت ابزار انتقام گیری و مجازات بین خدایان</p>
سطوره آفرینش	<p>خلقت زن و مرد از درختی روئیده شده از زمین که حاصل نطفه کیومرث بوده انتقال فره زرتشت با واسطه باد و ابر و باران و گیاه به پدر و مادرش</p>	<p>آفرینش انسان اولیه از خاک و نسل بعدی انسان ها از پرتاب سنگ تولد خدایان از ازدواج خدایان اولیه</p>

۵. نتیجه گیری

بررسی جایگاه طبیعت در اساطیر ایران و یونان، بیانگر دو نوع نگرش بنیادین به محیط طبیعی و رابطه‌ی انسان با آن است؛ نگرش‌هایی که در قالب دو جهان‌بینی متمایز، بازتاب‌دهنده‌ی نحوه‌ی تفسیر و تعامل انسان با فضای زیستی پیرامون خود بوده‌اند. در منظومه‌ی اسطوره‌ای ایران، طبیعت بخشی از نظم قدسی جهان است؛ مخلوق خالق یکتا و فراتر از طبیعت، یعنی اهورامزدا، که تجلی خیر، نظم و توازن کیهانی است. عناصر طبیعی همچون آب، زمین، باد، آتش و گیاهان، نه تنها حیات بخش و مقدس‌اند، بلکه به‌عنوان واسطه‌هایی برای اتصال انسان با نیروهای الهی تلقی

می‌شوند. در این چارچوب، طبیعت در مقام یک فضا و کنش‌گر مقدس، بخشی از ساختار اجتماعی-آیینی جوامع باستانی را تشکیل می‌دهد و مناسک مذهبی و آیینی انسان‌ها در هماهنگی با آن صورت می‌گیرد. این نگرش نوعی رابطه‌ی هم‌زیستانه و معنادار میان انسان و محیط طبیعی ایجاد می‌کند که بر پایه‌ی مسئولیت‌پذیری، تقدس محیط و همیاری کیهانی با نیروهای نیکی استوار است. این دیدگاه بعدها در لایه‌های عرفانی، فرهنگی و حتی رفتارهای محیط‌زیستی در فرهنگ ایرانی تداوم یافت و بر نوع مواجهه انسان با سرزمین و منابع طبیعی تأثیر گذاشت. در مقابل، اسطوره‌های یونانی طبیعت را نه به‌عنوان مخلوق خالقی فراطبیعی، بلکه به‌عنوان صحنه‌ای برای پویش نیروهای متعدد، گاه متضاد و انسان‌وار می‌نگرند. طبیعت در این فرهنگ، بیشتر کارکردی ابزاری، تمثیلی یا مجازات‌گر دارد و اغلب از قداست ذاتی تهی است. خدایان یونانی، که دارای صفات انسانی‌اند، در تعامل با طبیعت، آن را میدان قدرت‌نمایی، رقابت، آزمون یا حتی تسلط می‌سازند. در این ساختار، رویکرد انسان به محیط طبیعی، عمدتاً سودمحور، کنترلی و فاقد پیوند قدسی است.

این تفاوت‌های اسطوره‌ای، به تدریج بر نگرش‌های فرهنگی، فلسفی، و در ادامه بر سیاست‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی در این دو حوزه تمدنی تأثیر گذاشته‌اند. در فرهنگ ایرانی، تقدس طبیعت به حفظ نوعی رابطه احترام‌آمیز و هماهنگ با محیط زیست انجامیده است؛ در حالی که در سنت یونانی-غربی، طبیعت به تدریج موضوعی برای شناخت عقلانی، سلطه علمی و بهره‌برداری ابزاری تبدیل شده است. با این حال، در هر دو فرهنگ، اسطوره‌ها به‌عنوان سازه‌های حافظه فرهنگی، نقش مؤثری در بازتولید معنا و هویت فضایی انسان نسبت به طبیعت ایفا کرده‌اند. مقایسه‌ی اساطیر ایران و یونان، نشان می‌دهد که بنیان‌های اسطوره‌ای نه‌تنها در شکل‌گیری نظام‌های اعتقادی و آیینی، بلکه در ساختار فضایی تعامل انسان با طبیعت و شکل‌گیری فهم محیطی در هر تمدن، نقش محوری دارند. این یافته می‌تواند به فهم عمیق‌تری از پیوست‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی نگرش انسان به محیط طبیعی بینجامد.

۶. منابع

- ≠ مهدوی، مسعود و احمدی، علی. (۱۳۹۰). جغرافیای فرهنگی؛ تبیین نظری و روش‌شناختی کاربرد در مطالعات نواحی فرهنگی. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۲ (۳)، ۱۵۵-۱۸۳.
- ≠ آموزگار، ژاله (۱۴۰۱). تاریخ اساطیری ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ بیست و یکم.
- ≠ اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۹۹). اسطوره بیان نمادین. تهران: انتشارات سروش، چاپ هفتم.
- ≠ الیاده، میرچا (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. جلال ستاری، تهران: نشر اسطوره.
- ≠ برن، لوسیا (۱۳۷۵). اسطوره‌های یونانی، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ≠ بهار، مهری (۱۳۹۰). مطالعات فرهنگی، اصول و مبانی، تهران: انتشارات سمت.
- ≠ بهار، مهرداد (۱۳۹۷). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات آگه. چاپ سیزدهم.
- ≠ بیگی (۱۴۰۰). بررسی شخصیت‌های اسطوره‌ای آفرینش آب در اساطیر ایران و هند، باستان‌شناسی ایران، ۱ (۱۱)، ۲۹-۵۵.
- ≠ پین‌سنت، جان (۱۳۸۰). شناخت اساطیر یونان، ترجمه باجلان فرخی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول.

- ≠ جامی، مهدی و همکاران (۱۳۹۶). *شریعتی، امروز و آینده ما نگاهی به میراث فکری او پس از چهل سال*. لندن: اچ اند اس مدیا. چاپ اول.
- ≠ جعفری قریه‌علی، حمید. (۱۳۸۶). *هوم پشمین‌پوش یا گیاه زرین*. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲ (۵۱)، ۳۶۱ تا ۳۸۱.
- ≠ حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). *فلسفه‌ی جغرافیا، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸ (۲)، ۲۷-۵۲.
- ≠ خواجه‌گیر، علیرضا، اسکندری؛ سارا و نادر خانی، حکیمه (۱۴۰۰). *واکاوی الگوی آفرینش، در اساطیر ایران و یونان باستان، جستارهای باستان‌شناسی ایران*، ۶ (۲)، ۱۰۲-۱۰۷.
- ≠ خوش اخلاق ورنوسفادرائی، فرزانه؛ کامرانی فر، احمد و یوسف جمالی، محمد کریم (۱۳۹۸). *تبیین و تحلیل اسطوره‌ی آب در ایران باستان، پژوهش‌نامه تاریخ*، ۱۵ (۵۷)، ۲۵-۳۲.
- ≠ دادور، ابوالقاسم و روزبھانی، رویا (۱۳۹۸). *بازتاب طبیعت در گستره اساطیر ایران، جلوه هنر*، ۱ (۱۱)، ۶۳-۷۲.
- ≠ دزفولیان، کاظم و طالبی، معصومه (۱۳۸۹). *مقایسه اساطیر ایران و یونان بر پایه‌های اندیشه‌های باختن*. نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر، ۲ (۳)، ۹۷-۱۱۵.
- ≠ ذوالفقاریان، فاطمه (۱۴۰۰). *پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه سیاسی ایران باستان، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۳ (۳)، ۱۳۱-۱۵۶.
- ≠ روزنبرگ، دونار (۱۳۸۰). *اسطوره‌های یونان*. ترجمه مجتبی عبدالله نژاد. مشهد: انتشارات ترانه. چاپ دوم.
- ≠ روزنبرگ، دونار (۱۴۰۲). *اساطیر جهان*. ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: انتشارات اساطیر.
- ≠ زرین فکر، مژگان و صالحی نیا، مریم (۱۴۰۰). *تحلیل تصویر کنشگری خداوند در باب کشاورزی، از اسطوره تا عرفان، پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۴ (۵۸)،
- ≠ شهبازی شیران، حبیب، چراغی، زهرا، رستمی، مژگان و جوانمرد زاده، اردشیر (۱۴۰۳). *بررسی نقوش حیوانی بر روی دست‌ساخته‌های لرستان از گذشته تا عصر معاصر با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه جغرافیا و روابط انسانی*، ۷ (۱)، ۱۸-۴۱.
- ≠ صانع پور، مریم (۱۳۸۹). *پژوهشی اسطوره‌شناسانه در بن مایه جامعه مدرن غربی، جامعه پژوهی فرهنگی*، ۱ (۱)، ۷۷-۱۰۶.
- ≠ عباسی، سیما؛ صفری، مهدی و عسگری، لیلا (۱۳۹۶). *کارکردهای اسطوره‌شناختی آب در ایران باستان، فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۶ (۲)، ۱۱۷-۱۲۶.
- ≠ عرب گلپایگانی، عصمت (۱۳۷۶). *اساطیر ایران باستان*، تهران: انتشارات هیرمند.
- ≠ فاطمی، سعید (۱۳۷۶). *مبانی فلسفی اساطیر یونان و روم*. تهران: دانشگاه تهران.
- ≠ فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲). *گیاهان و درختان مقدس در فرهنگ ایرانی، مجله آینده*، ۱۹ (۴)، ۳۲۰-۳۲۹.

- ≠ قاسم زاده، سید علی، امیری فر، عاطفه (۱۳۹۸). بازخوانی تطبیقی خویش‌کاری نباتات در اساطیر جهان، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۷ (۲)، ۱۵۹-۱۳۰.
- ≠ کرتیس، وستا (۱۳۷۶). *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر. نشر مرکز. چاپ دوم.
- ≠ کلانتر، نوش آفرین؛ صادقی تحصیلی، طاهره؛ حسنی جلیلیان، محمدرضا و حیدری، علی (۱۳۹۵). سیر آتش از اسطوره تا عرفان (ریشه‌های اسطوره‌ای نمادهای مربوط به آتش در عرفان). *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۷ (۳)، ۲۷-۵۱.
- ≠ گرانت، مایکل (۱۳۹۰). *فرهنگ اساطیر کلاسیک*، ترجمه‌ی رضا رضایی. تهران: انتشارات ماهی. چاپ دوم.
- ≠ گریمال، پی‌یر (۱۳۹۳). *فرهنگ اساطیر یونان و روم*، ترجمه احمد بهمنش، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم.
- ≠ لشگری تفرشی، احسان. (۱۴۰۱). جستاری در شناخت نظری مفهوم جغرافیای فرهنگی در چارچوب مکتب سازه‌نگاری. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۷ (۲۵)، ۹۵-۱۰۹.
- ≠ لنسلین، راجر (۱۳۶۶). *اساطیر یونان از آغاز آفرینش تا عروج هراکلس*، ترجمه عباس آقاجانی. تهران: انتشارات سروش. چاپ اول.
- ≠ محلوجی زاده و همکاران (۱۴۰۱). مضامین اسطوره‌ای گیاهان و حیوانات در اوستا و بندهش، *ادبیات تعلیمی*، ۲ (۱۵)، ۱۹۷-۲۱۵.
- ≠ مظفری، سولماز و زارعی، کیوان (۱۴۰۱). بررسی خویشکاری اسطوره «گاو». *پژوهش‌های میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی*، ۱ (۲)، ۲۰۱-۲۳۴.
- ≠ مهدوی قهساره، زهرا و هاشمی، غلامرضا (۱۴۰۴). مطالعه جایگاه نمادین و کارکرد دو گل زنبق و نیلوفر آبی در هنر ایران باستان با رویکرد اسطوره‌شناسی تطبیقی دوزمیل، *جلوه هنر، آماده انتشار*.
- ≠ ناردو، دان (۱۳۸۴). *اسطوره‌های یونان و روم*، ترجمه عسکر بهرامی. تهران: انتشارات ققنوس. چاپ اول.
- ≠ نیکویخت، ناصر، بزرگ بیگدلی، سعید. و ووتی تامه، فونگ (۱۳۹۱). مقایسه ایزدان آب در اسطوره‌های ایران و ویتنام. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی (زبان و ادبیات فارسی)*، ۸ (۲۹)، ۱۴۱-۱۷۰.
- ≠ هاشمی، سارا؛ نیکویی، علیرضا و چراغی، رضا (۱۴۰۱). *تطور مفهوم طبیعت از یونان باستان تا دوران معاصر با تاکید بر وجوه فلسفی و سیاسی جنبش رمانتیسیسم، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴ (۴)، ۱۴۲-۱۵۶.
- ≠ همیلتون، ادیت (۱۴۰۳). *سیری در اساطیر یونان و روم*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، انتشارات اساطیر. چاپ هشتم.
- ≠ هینلز، جان (۱۳۸۲). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه. چاپ چهارم.
- ≠ Assmann, J. (2011). *Cultural memory and early civilization: Writing, remembrance, and political imagination*. Cambridge University Press.
- ≠ Cassirer, E. (1955). *The philosophy of symbolic forms, Volume 2: Mythical thought* (R. Manheim, Trans.). Yale University Press. (Original work published 1925)
- ≠ Falco, R. (2016). *Cultural genealogy: An essay on early modern myth*. Routledge.
- ≠ Segal, R. A. (2004). *Myth: A very short introduction*. OUP Oxford.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی